[illegible]

دقیقه‌های معاشش در لباس حروف

[illegible]

۲۹ خرداد ۱۳۱۵

[illegible]

نمره اول — سال اول — صفحه اول

نوروز

اداره جریده علمیه نوروز
طهران محله سنگلج
کلیه امور اداره با مدیر کل میرزا محمد ناظم الاسلام
امین اداره و دبیر ثانی آقا میرزا
کاظم خان طبیب کرمانی
محل رجوع و توزیع اداره است

قیمت سالیانه دوازده هزار دینار
در خارج با انضمام وجه پست
بتاریخ یکشنبه بیست و دویم
ماه ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۲۵ هجری
سال توشقان ئیل ترکی مطابق بیست و دویم
مارس ماه فرانسه سنه ۱۹۰۳ مسیحی

در این جریده مطالب راجعه بمسائل علمیه و ادبیه و فوائد عامه نوشته میشود و مطالب و اعلانات مفیده بحال ملت که منافی با دولت و ملت نباشد پذیرفته و مجانا طبع میشود ماهی چهار نمره طبع و توزیع میشود مراسلاتی که صاحب آن معلوم نباشد اداره در انتشار آن آزاد است قیمت اعلان سطری شش شاهی مطالب بیشتر و هر دو سطر یک قران و عدد صفحه افزوده خواهد شد و اسامی مشترکین بعد درج خواهد شد

(فهرست مندرجات)

(بنام خداوند جهان آفرین)

(وضع جریده علمیه نوروز)

بنای این جریده علمیه و غرض از وضع آن فقط انتشار مسائل علمیه و طریق تمدن و نقل عبارات اتبلا و فضلا و شرح حال علماء در هر علم و درج مطالب ادبیه و تاریخ و هندسه و هیئت و جغرافیا و طب است آنچه که متعلق بعلمیات باشد حتی المدارس و المکاتب و الرجال موضوع و مبحوث عنه ماست از مطالب دولتی و پولتیکی بحث نخواهد شد مگر آنکه متوقف علیه مبحوث عنه باشد آنهم بطرزی خوش

و نیز در مدح اولیاء دولت جاوید آیت که مروج و مشوق علوم و اهلش اند کوتاهی نخواهد شد اشخاص فاسد

کاسد بکلی مأیوس باشند و از برای آنها انتظاری نباشد و از قبول این جریده امتناع نمایند و نیز خواهش و استدعا داریم که جهال و اعداء علم و دشمن تمدن ناموس و ایقان این جریده نوظهور را معفو و خود را زحمت ندهند که فرستاده نخواهد شد و هرگاه ندانسته از برای یکی از آنها فرستاده شود پس از علم و اطلاع از حالش مقطوع خواهد شد

(علم تجارت و صنعت)

اشخاص با علم و عقل و سیاسیون عالم و متمدنان بنی نوع آدم دانند که آبادی مملکت و ثروت دولت و ملت و وطن بترقی تجارت و صنعت است و ترقی تجارت موقوف بعلم آنست پس علم تجارت و صنعت لازم و علم ثروت ملت اهم

یکی از عقلاء فرنگ گوید اگر اروپائیان توسل بعلم تجارت نمیشدند صناعات آنها محیر العقول عالم نمیشد و اقتدار این گروه کره ارض را فرا نمیگرفت و ثروت آنها اهل دنیا را متحیر نمیکرد

واضح است که فرنگیان صناعت را بواسطه تجارت کسب نمودند و اقتدار و سلطنت را از برکت تجارت یافتند و تجارت را بعلوم تکمیل نمودند و اگر تجارت را پیشه خود نمینمودند هر اینه مصرف صناعات خود را نمیجستند و اگر صناعات آنها رواج نداشت باین درجه در تکمیل نواقص صنعت خود ساعی نبودند و اگر صناعات آنها کامل نمیشد مردم را ترغیب در دستکاری خود نمیکردند و ثروت عالم را بقوه تجارت و صناعت جاذب نبودند و اگر باین درجه دارای ثروت نمیشدند در تعمیر ممالک و اصلاح مسالک نمیکوشیدند و باین پایه مقام علم را در مملکت خویش مرتفع نمیداشتند بواسطه علم از منتهای درجه غرب باقصی بلاد شرق خود را رسانیدند علم تجارت را اهم مقاصد خود دانسته از فوائد و نتایج آن فروگذار نمیکنند همین بود علم تجارت که معنی تجارت را ترویج امتعه وطنیه خود دانسته نه دست فروشی و ترویج امتعه خارجه و خارج کردن طلا و نقره وطن را در بهای اشیاء بی حاصل اجانب

از این مقدمات و ترتیب صغری و کبری نتیجه معلوم شد که ثروت دولت و ملت منوط بتجارت و صنعت است و هر تجارتی علم لازم دارد پس ثروت موقوف بعلم است این شکل اول و بدیهی الانتاج و بکر احدی را مجال انکار نیست

چرا ما باید این نقصه را از دست بدهیم و از فواید علم تجارت بی خبر باشیم و چرا این علم را متروک و از جادهٔ صحیح شدیم با اینکه صاحب شریعت مطهرهٔ اسلام در ابواب آن بما ها سرمشق داده متروک گذارده‌ایم انشاء الله در نمره‌های بعد مرغوبیت و مطلوبیت و اهم بودن تجارت را در نزد صاحب شرع و در وسائل دین حنیف عشر کبیر عظام اهداء و ایفاد خواهیم نمود

(نساج کرمانی)

یک نفر از اهل کرمان مسمی بحاج اکبر که شغل ساعت دارد صنعت او نساجی است و صنعت نسیج چند کار خوب از او دیده شده است

اول آنکه قالی برجستهٔ از کار در آورده که نقش آن از قبیل گل و برگ و شاخه را برجسته یعنی مجسم قرار داده و زمینهٔ کار را مثل قالیهای متعارف در آورده بود این کار را یعنی قالی برجسته تمام میکردند اما زمینهٔ کار را مثل گلیم در میآوردند که باصطلاح آنها پود نداشت حالا پود دار است

ثانیاً آنکه این استاد ماهر مخمل تمام کرکی که شبیه بموی گربه است در کمال ظرافت و خوبی و نهایت استحکام که بتصدیق اهل خبره بهتر است از مخمل خارجه

ثالثاً آنکه حوله در آورده است از کار که خیلی ظریف و محکم و ارزان و مدعی است که ماهوت بسیار خوب تمام میکند که ارزان‌تر و بهتر از ماهوت متعارف خارجه حالا بزرگان و غیر متمکنان و ضعفاء ملت همت مینمودند و این قماش را البسه که بدست هم دینی و هم وطن خودشان منسوج میشود استعمال میکردند و ترویج مینمودند اقلاً لباس مردگان خودشان را میتوانستند از چه و از که ساخته و پرداخته میشد اولی و انسب که بنفع این بر ذخیرهٔ مردگان گرفتار نبودیم

باز امید است ما بوسی نبینیم البته بزودی همه اهتمام خواهند فرمود بخصوص این ایام که خیلی اهمیت دارد در استعمال البسهٔ خودمان و ترک اقمشهٔ غیر خودمان

(عبارات اساتید ذکر میشود)

حتی الامکان در این روزنامه در مسائل علمیه عین عبارات اساتید ذکر میشود چه بعنوان ترجمه و چه بعنوان دیگر البته هر کس مقالهٔ مفیدی باداره ارسال دارد باسم فرستنده بعین عبارت درج خواهیم نمود

(اعتقاد در مسائل علمیه)

مسائل علمیه که درج میشود اعتقاد صاحب امتیاز و نگارنده مدخلیت ندارد فقط نقل است شاید اعتقاد برطبق مکتوب باشد و شاید نباشد مثلاً در حالات زمین که اثبات حرکت زمین را میکنیم شاید اعتقاد برخلاف باشد و یا بالعکس وقس علی هذا

(اعتذار)

در القاب بنا بر اختصار است و اداره از قید سمت آزاد البته بزرگان دانشمندان اغماض خواهند فرمود

(مبتکر و مخترع)

۱ـ اول کسی که تکلم کرد بحکمت اشراق افلاطون و استادش سقراط بود

۲ـ اول کسیکه تکلم کرد بطریقه مشائین ارسطاطالیس بود

۳ـ اول کسیکه علم منطق را وضع کرد نیز ارسطو بود

۴ـ اول کسیکه علم مجسطی را وضع کرد بطلمیوس بود

۵ـ اول کسیکه علم طلسمات را وضع کرد بلیناس بود

۶ـ اول کسیکه علم موسیقی را وضع کرد فیثاغورث حکیم بود

۷ـ اول کسیکه واضع هندسه بود اقلیدس بود

۸ـ اول کسیکه تکلم بعربیت نمود حضرت اسمعیل بود

۹ـ مخترع خط نسخ محمد بن علی بن مقلة الوزیر بود در زمان متوکل عباسی بود

۱۰ـ مخترع خط نسخ تعلیق میر علی استاد میر عماد در دولت شاه عباس ثانی بود

۱۱ـ مخترع خط شکسته شفیعا بود ۱۲ اول کسی که حمام را وضع کرد جمشید بود بعضی گویند سلیمان پیغمبر بود ۱۳ اول کسیکه مدارس را در ایران بنا کرد نظام الملک طوسی بود

۱۴ـ اول کسیکه قرار داد عمامه سبز را نشانه سیادت ملک اشرف پادشاه مصر در ۷۷۳ بود بعضی گویند مامون عباسی بود

۱۵ـ اختراع بارود در زمان معتصم در اسکندریه شد

۱۶ـ اختراع غلیان و تنباکو در ایران در زمان شاه عباس اول شد

۱۷ـ اول کسیکه علم نحو را تاسیس کرد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بود

۱۸ـ اول پادشاهی که گمرک داخله ایران را بخشید و منت گذارد بر عموم اهالی ایران اعلیحضرت اقدس شاهنشاه معدلت

آثار مظفر الدین شاه قاجار در سنهٔ هزار و سیصد و نوزده
بود سابق براین جلو گرد و ارد شهرها میکردند که مردها و زنها
ما نخود میداشتند شاید یک مسافر که از شهری به بلد میخواست
میرفت تا به بلد مقصود میرسید ده جا از او گمرک مطالبه
میکردند و لذا عالو و در شهرها لباسهای ناموس
آمنا فردی حضور جمعی نامحرم ملاحظه میشد و این ظلم به رحمت
معدلت این شاهنشاه کارآگاه بتصویب وزیر بی‌نظیر حضرت مستطاب
اشرف امنع اتابک اعظم میرزا علی اصغر خان صدر اعظم برداشته شد
و فقط گمرک سرحدات در تحت قانون به رحمت این شاهنشاه
کارآگاه آمد چنانچه در نمرهٔ آتیه ان‌شاءالله خواهیم آورد (باقی دارد)

استداره و کرویت زمین

از تمدن و دانستنیهای دور است که بسیاری از مردم
دیوار و طاق منزل را بدانند و از او بپرسند سقف
طاق تو چیست یا دیوار تو به چه طول و عرض واقع شده
ندانند چه قدر این جهل قبیح و زشت است پس ما مردمان
که در این کرهٔ ارض خانهٔ مشترک مسکن داریم صحیح نیست
خبر و جاهل باشیم یا ندانیم که این سقف نیلگون و سیارات
و نورانی چه هستند و ما در کجا واقع شده‌ایم پس مختصر
حالات مختصری از زمین که در او ساکنیم ذکر میکنیم
پس از آن از باقی سیارات که سقف طاق و دیوار منازل
زمین ما هستند اندکی از حالات زمین استداره و کرویت او است
بطرز بیضوی شلجمی الشکل و کروی زمین ما گرد و مدور است
و کرویت زمین چنانچه نقلاً و عقلاً مسلم است محل انکار
و شک ابداً نیست و دلایل و براهین متعدد بسیار دارد ولی
ما دو بیان واسهل دلایل را ذکر میکنیم و آن چند دلیل است
اول آنکه چون در دشت وسیع یا در ساحل دریا بایستیم
و با چشم یا دوربین بطرفی نگاه کنیم شعاع بصر ما تا حد مشخص و
معینی بزمین میرسد و از چند فرسنگ که تجاوز نمود هیچ دیده
نمیشود چرا که آن وقت شعاع دیگر با زمین تقاطع نمیکند
این حالت البته بسبب انحناء سطح زمین است و اگر این سطح
مستوی بود چون مانع در مد بصر واقع نیست همه اشیاء در مسافت
بسیار بعید هم چیز دیده میشد و حال آنکه کشتی چون از
ساحل دور شود بتدریج از سمت اسفل مخفی شود تا بر آن دکل
رسد و آن وقت که بسمت ساحل توجه نماید اول راس دکل دیده شود
و بعد بتدریج اجزای دیگرش از اعلی بسمت اسفل تا با جزء
مجاور سطح آب رسد　　(بقیه دارد)

تحصیل ثروت

یکی از دانشمندان امریکا در طریقهٔ حصول ثروت این قسم بیان میکند که هر کس طالب تحصیل ثروت باشد باین شرایط مداومت کند اوّل پایداری بعهد خود دوّم اجتناب از مسکرات سوّم پابندی بوقت و موعد چهارم استقلال در امور پنجم استقامت در مزاج

(ملخّص از کلام میرزا محمّد هادی در اثبات حجّت ۴)

اقطاب حقیقت ائمه محمّدیه را منحصر در دوازده دانسته اند هر چند در تشخیص موضوع آن اختلاف نموده اند و ابن حجر عسقلانی تصریح نموده با وجود تعصب که قطب نمیباشد مگر از اهل بیت و تعیین موضوع آن لازم و طریق اثبات آن بنوع کلّی بر سه نوع است نوع اوّل طریق عامه و آن نقل متصل از اصحاب و علمای آن چند شهادت است اوّل شهادت شیخ پیشوای خاکسار در کتاب مهادی که در رسالهٔ شرع ابو الحسن است دیده است که در حلب در بیابان کرد و بعد و سیم از ادوار بعد در هنگامی که مهادی نوازده بیت کتاب بتقریب کثرت گناه و امتناع از قبول امر بمعروف و نهی از منکر بر نجبهٔ دهر کوه اعتزال نموده بر فوج خود کودا پا دبتی که ام الجانا است حوالی

خلف حضرت آدم ع از طین در نزد یک از کلیه که در رابع است داده و در آنجا تصریح بخلقت حضرت خاتم النبیین و ده و از دو بی کورات عترت طاهرین او صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین کرده و نص بر افضلیت ایشان بر جمیع مخلوقات نموده (بقیه دارد)

(الأسماء تنزل من السماء)

نخستین نامی که از برای این جریدهٔ علمیه وضع شده بود (تمدن) بود و حضور مستطاب اجل آقای ندیم السلطان وزیر انطباعات دام اجلاله العالی که در واقع مؤسس و موجد این جریده میباشند و بر حسب اشارات ایشان و تشویق آن حضرت نگارنده اقدام در این امر خیر نموده و متقبّل شدم که این مرحله بپیمایم بملاحظهٔ این لفظ تمدن را صلاح ندیدند و بمناسبت اینکه در عهد نوروز ابتداء این جریدهٔ علمیه انتشار آن میشود این قسم صلاح دانستند که او را مسمّی بلفظ نوروزی نمائیم چون اطاعت ایشان را بر خود فرض دیدیم لهذا اجزاء اداره را بنام نوروز اخبار و این اسم میمون ثبت گردید امید است که همواره مطالب علمیه و اخبارات شریفه بطرزی مرغوب و اسلوبی مطلوب بقلم

سادهٔ و سهل در این جریده نوشته شود بعد از شرکین عظام اهدا و ایفا خواهد شد

(لغات)

بعض از لغات عربیه که این ایام در السنه بعضی مشهور و متداول است خلاف فصاحت بحسب خواهش یک نفر از دوستان نوشته شد

۱- فجأة بروزن تمامه است بروزن غرفه غلط است

۲- بغتة البسیئة بروزن سفینه و با همزه است و گفتن بعضی نسیئه بکسر النون و سکون السین غلط است

۳- دابّة کل ما یمشی علی الارض و غلب علی ما یرکب و اختصاص بعض بالفرس خطاء

۴- الارنب بالفتح خرگوش و گفتن بعضی ارنب بکسر غلط است

۵- معدیکرب بکسر الراء و گفتن بعضی بفتح غلط است

۶- المنصب بروزن مجلس بمعنی اصل است و لفلان منصب و فلان منصب ای علو و رفعة و بفتح الصاد غلط

۷- النکبة بالفتح المصیبة و قول بعض بالکسر من الاغلاط

۸- البحبوحة بالفتح صحیح و بالضم من الاغلاط

۹- فی دعاء العدیلة اللهم یا ارحم الراحمین انی اودعتک یقینی هذا و ثبات دینی بفتح الثاء المثلثة و بضم ثا غلط است

۱۰- اناث جمع انثی بروزن کتابست و بضم غلط است

۱۱- الحبر بالکسر و بالفتح من الاغلاط (بقیه دارد)

(قضاء)

قاضی کسی را گویند که حکم کند بین دو نفر یا زیاده که معین باشد بحکم مشخص

شناختن قاضی بر همه کس لازم است حکام عرف باید قاضی را بدانند تا رجوع مرافعه باو نمایند مردم باید بشناسند تا رجوع بغیر آن نکنند انشاء الله بنا است معرفت قاضی و احکام قضاء و حدود و سیاسات شرعیه را هم بیان میکنیم دوازده صفت بایدکه قاضی و حاکم شرع باشد که اگر یکی از این صفات دوازده گانه مفقود باشد ترافع در نزد شرع جایز نیست و حرام است اعانت او و چه جای اطاعت

اوّل قاضی باید بالغ باشد یعنی سن او بحد تکلیف رسیده باشد دوّیم آنکه عاقل باشد سیّم آنکه مرد باشد چهارم آنکه مؤمن باشد پنجم آنکه عادل باشد ششم آنکه حلالزاده باشد هفتم آنکه قدرت بر چیز نوشتن داشته باشد هشتم آنکه آزاد باشد

هم آنکه کور نباشد دهم آنکه فراموشی او
زیاده نباشد یعنی غالب نباشد نسیانش بر ذکر او
یازدهم کسی باشد که گواهی او بر مدعی و مدعی علیه مسموع
باشد پس اگر چنین نباشد صحیح نیست چون قضاء فرزند بر پدر
و بنده بر آقا و دشمن بر دشمن دوازدهم آنکه مجتهد
باشد و اجتهاد چند علم لازم دارد (بقیه دارد)

(مدارس)

چندیست که جراید سخن از مدارس میرانند و پیوسته تشکر
از مساعی بزرگان دوستدار علم که اقدام در افتتاح مدارس
کردند و خوشنود از اینکه دایره علم وسعتی حاصل نموده و ایران
علم علم را افراشته از این بنا نمی‌شاید در خارج بعضی گمان برند
که تاکنون علم در ایران رواجی نداشته و تازه ایرانیان مایل بعلم
و در مقام افتتاح مدارس بر آمده شرح این مطلب اهمیت فوق العاده دارد اولاً
بدانند که این مدارسی که در جراید مذکور است عبارت از آنکه
تحصیلات ایران سابقاً ترتیب صحیحی و وضع درستی نداشت بنا بر اهتمام
بزرگان و اقدام علماء و اولیاء دولت مرتب شده (بقیه دارد)

(سیاست مدن و لزوم سلطان)

سیاست مدن عبارت است از تدبیر و نظم امور در مم
جماعات و اجتماعات که بعد از هیئت اجتماعیه منزل مشتمل
بر وجهیکه مودی بصلاح مر معیشت و معاد همگی بود باشد
مدبران این نوع از مدبر و صاحبان این نوع از نظر سلاطین و
پادشاهان مشتمل بر وجود سلطان لازم و واجبست زیرا اکر
مردمان نوع انسان در اراء خود مختلف و در عقول متفاوت و مشتمل و
مدعی دعوی اعمال و غایات حرکات ایشان در غایت اختلافات و از برای هر یک از
آنها در افعال و حرکات خود مقصدی غیر از مقصد دیگری مشتمل (بقیه دارد)

وقایع ایام و اتفاقات و حالات از قبیل مسافرت و تولد و
ملل و اموریکه ثبت و تاریخ در آن لازم است در این جدول نویسند

عید نوروز سلطانی ۱۳۲۰ هجری

ایام	[illegible]	[illegible]	
یکشنبه	۲۲	۲۲	طرف عصر باران کمی آمد
دوشنبه	۲۳	۲۳	در تمام این روز باران متقاطر بود
سه‌شنبه	۲۴	۲۴	اکثر این روز باران متقاطر بود
چهارشنبه	۲۵	۲۵	هوا صاف و معتدل بواسطه آفتاب خرابی عمارات و ابنیه اصلاح
پنجشنبه	۲۶	۲۶	معتدل و صاف
جمعه	۲۷	۲۷	ابر و استعداد باران طرف صبح باران [illegible] طرف عصر
شنبه	۲۸	۲۸	برف فوق العاده و سردی هوا در تمام شب این روز و بعضی نبود